



سابقا

عاشق آن بی که دایم در بلا بی  
به درد ورنج و محنت مبتلا بی  
حسن آساینوشد کاسه زهر  
حسین آسا شهید کربلا بی

# گوشه‌هایی از زندگانی سراسر مبارزه شهید سید محمد علی قاضی طباطبائی

حجت‌الاسلام والمسلمین بنی‌فضل در یک گفتگوی اختصاصی با جمهوری اسلامی:

## شهید قاضی طباطبائی محبوب مردم آذربایجان هستند.

حجت‌الاسلام بنی‌فضل در پاسخ به این سؤال که چه خاطره جالبی از شهید قاضی طباطبائی دارید گفتند از ایشان خاطرات زیادی داریم قبل از انقلاب از تبعیدهایی که ایشان داشتند و فشارهایی که متحمل میشدند ولی یک خاطره جالب دارم و آن اینست که در آن اواخر نهضت بنی احمد که به اصطلاح نماینده تبریز در مجلس فرمایشی شاه آمد اینجا قم منزل شریعتمداری و از اینجا به تبریز رفت تمام فعالیت آنها این بود که نهضت را از خطو سیر امام منصرف کنند و بیاندازند به خطا و قانون اساسی که تکیه گاه شریعتمداری بود. بنی احمد رفت تبریز و شریعتمدار دستور داده بود از ایشان تجلیل شود و از او عجبیب

استقبالی میکردند و مافورا از اینجا رفتیم تبریز و با آقای قاضی ملاقات کردیم، جریان را به ایشان گفتیم که این یک توطئه است و بنی احمد رسماً از طرف شاه آمده است بین شریعتمدار و تبریز بلکه آنجا مسیر نهضت را عوض کنند خاطره اینجاست که هرگاه به ایشان مطالب حساس را تذکر میدادیم متوجه میشد و اقدام میکرد و آنروز هم با خیلی از افراد تماس گرفت و در عرض دوروز این توطئه را نیز خنثی نمود.

خاطره دیگر درباره مظلومیت ایشان است که هیچوقت پادم نمیروید که ایادی شریعتمداری انواع اذیت و آزار را نسبت به آن مرحوم مرتکب می شدند هیچوقت پادم نمیروید ایشان یک روز گفت «از اینها در محکمه عدل الهی به جدم حضرت زهرا(س) شکایت خواهم کرد که حکم باشد بین من و بین اینها» این هروقت پادم میافتد ناراحت میشوم.

ایشان در پایان در پاسخ به این سؤال که شهادت این شهید بزرگ چه نقشی در خنثی کردن توطئههای ضد انقلاب داشت گفت:

السته شهادت مرحوم آیتا... قاضی طباطبائی عمده تاثیرش تضعیف منافقین خصوصاً خلق مسلمان شد. چون آنروز در تبریز عمده مسئله خلق مسلمان مطرح بود و شهید قاضی طباطبائی که با اینها مخالف بود قهرراً اثر گذاشت و آنها را تضعیف کرد. البته مردم هم در صحنهها همیشه حاضر بودند و با وحدت و انسجام ضد انقلاب رانابود کردند.

**جهت آشنائی با درجات علمی و فعالیتهای مبارزاتی نماینده امام و امام جمعه تبریز شهید آیتا... قاضی طباطبائی مصاحبهای با حجت‌الاسلام والمسلمین بنی‌فضل مکی یکی از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم انجام داده‌ایم تا گامی دیگر در راه شناسائی مردان خدا برداشته باشیم.**

در قبل از انقلاب در آن محرابها تنها مسجدی که مرکز مبارزات با طاغوت در آذربایجان در خط اصیل امام بود مسجد آیتا... قاضی طباطبائی بنام مسجد شعبان بود که بنده خودم در همان زمانها عدماهای را مثل آقایان فاکر، طاهری خرم‌آبادی، و عبایی و غیره را میفرستادیم آنجا فعالیت نمایند ایادی شریعتمداری با همکاری ساواک بشدت برای سرکوبی شهید قاضی طباطبائی فعالیت میکردند ولی زورشان نمیرسید، به جهت اینکه ایشان در میان مردم محبوب بود و در واقع پایگاه روحانیت در آذربایجان بودند وقتی دستور مسیاد و روزی را تعطیل اعلام میکرد تمام آذربایجان تعطیل میشد در این میان ایادی شریعتمداری در مقابل ایشان صف آرائی میکرد که افراد معلوم‌الحالی بودند و عدهایشان به تهران فرار نمودند و بقیه هم در جریان خلق مسلمان منفرود شدند. بطور کلی ایشان در قبل از انقلاب در خط امام فوق‌العاده فعالیت میکرد.

در اوائل بعد از پیروزی انقلاب در آذربایجان خصوصاً در تبریز در اوایل انقلاب چون تراکم کار و فعالیت زیاد بود حضرت امام مرحوم شهید مدنی را بعنوان همکاری و کمک به آیتا... قاضی طباطبائی به تبریز فرستادند. مرحوم شهید قاضی طباطبائی قبل از آنکه شهید مدنی وارد بشوند اعلامیه داد که برادر مدنی... مدنی وارد منزل خودشان میشوند، اشخاصی معترض شب و روز فعالیت میکردند بین آن دو شهید بزرگوار فاصله بیناندازند ولی آن دو شهید عالیقدر آنقدر با هم خوب بودند و در یک مسیر، خط امام حرکت میکردند که مغرضین را مایوس نمودند. ضمناً با در نظر گرفتن خدمات ارزنده شهید قاضی طباطبائی در آذربایجان خصوصاً در تبریز در قبل و بعد از انقلاب آنطور که می‌بایست روزنامهها و رادیو تلویزیون و دیگر رسانه‌های گروهی از آن بزرگوار کم یاد میکنند و این موجب گلايه است تمام خدمات علمای آذربایجان یکطرف و خدمات آقای قاضی طباطبائی یکطرف باز هم بیشتر است و آیتا... قاضی طباطبائی اولین شهید در اسنه جمعه

حجت‌الاسلام بنی‌فضل در این مصاحبه ضمن تشکر از روزنامه جمهوری اسلامی در زمینه درجات علمی این شهید بزرگوار اظهار داشتند **شهید آیتا... قاضی طباطبائی از جهات درجات علمی در حوزه علمیه قم درس فقه و اصول را نزد آیتا... العظمی حجت‌اعلی... مقامه مقدار زیادی تلمذ نمودند از محضر امام امت هم به اقرار خودشان تلمذ نمودند حتی در سال ۴۲ عوائل شروع نهضت که نام امام در شهرهای ایران بلکه دنیا پیچیده بود ایشان در تبریز در یکی از سخنرانیهایشان گفتند من افتخار میکنم از شاگردان امام خمینی هستم زیاد ایشان این مطلب را عنوان میکرد. البته در کتاب تحلیلی بر نهضت امام خمینی هم ایشان را از شاگردان امام نام برداند. بعد ایشان به نجف اشرف تشریف برده و از محضر مرحوم آقای حکیم تلمذ نمودند بعداً مراجعه نمودند به تبریز و آذربایجان که فوق‌العاده آنجا محبوب و مورد احترام و از شخصیهای علمی تبریز بودند این مطلب قابل توجه است که بعد از رحلت آیتا... العظمی پروجودی رضوان... علیه در آذربایجان سازمان امنیت در تعیین و ترویج مرجعیت مستقیماً دخالت داشت در همان موقع مرحوم شهید آیتا... قاضی طباطبائی و مرحوم آیتا... انگجی آیتا... العظمی پروجودی اکثر شهرها مقلد آقای حکیم بودند و کارهای ساواک و ایادی شریعتمدار در دهات اثر گذاشت نه در شهرها منظور ایشان مورد علاقه خاص آقای حکیم بودند و وقتی آقای حکیم میخواست برای مردم آذربایجان مطلبی را بگوید آقای قاضی را مخاطب قرار میداد.**

مردم نسبت به حضرت امام از سال ۴۲ خصوصاً بعد از رحلت مرحوم آیتا... حکیم علاقه فوق‌العاده‌ای به امام داشتند و در تقلید بعد از فوت آقای حکیم تنها امام را میگفتند

ایشان در زمینه مبارزات آیتا... شهید قاضی طباطبائی و نقش ایشان در مبارزات قبل و بعد از انقلاب اظهار داشتند.



بسم الله الرحمن الرحيم

مجاهد کبیر، عالم توانا آیتالله سید محمدعلی قاضی طباطبائی فرزند حاج میرزا باقر در سال ۱۳۳۳ قمری در تبریز متولد شد. تحصیلات مقدماتی علوم دینی را از والد ماجد خود و عم گرامش میرزا اسدالله در مدرسه طالبیه تبریز اخذ نمود تا سال ۱۳۵۷ قمری در موقع انقلاب تبریز به اتفاق والدش بخاطر مبارزه با تهران تبعید و پس از چندماه توقف در تهران وری به تبریز مراجعه نمود.

سفاک شهید قاضی را به زندان قزل‌قلعه محبوس و سپس به شهرهای بافت کرمان و زنجان تبعید نمود و همچنین مدت ۳ ماه سبب فشارها و ضربات روحی و جسمی، اجباراً در بیمارستان تهران بستری شد. بعد از خارج شدن از بیمارستان به عراق تبعید گردید و یکسال در آنجا تبعید بود و پس از اتمام مدت دوباره به ایران منتقل و در تبریز اقامت گزید و مشغول ترویج و تبلیغ گردید و در پیشبرد انقلاب نقش بسزائی داشت.....

**شهادت**

از شهید قاضی آثار بسیار بجا مانده از جمله کتابها و حواشی نوشته ایشان که از ۴۰ هم تجاوز می کند از جمله کتابهای تحقیقی و عالمانه مطبوع ایشان میتوان تحقیق روز اربعین، تعلیقات برانوار النعمانیه چهارجلد و اضافات و تعلیقات بر کتاب انیس‌الموحدین نراقی را نام برد.

روز عید قربان نماز عید را به امامت خود ایشان آنهم پرشکوه و با عظمت برگزار نمود ولی مثل اینکه این نماز آخر حیاتش بود لذا بعد از نماز مغرب و عشاء در مسجد شعبان همان روز ۵۸/۸/۱۰ با ماشین و پاسدار خود عازم منزل بود که در تقاطع خیابان مصدق و ارتش ضارب خون آشام ۳ تیر از پشت شیشه ماشین به سر مبارک این مجاهد کبیر شلیک کرد و گریخت....

در سال ۱۳۵۹ قمری بهحوزه علمیه قم مشرف و مشغول تحصیل علوم مذهبی گردید و از آیات عظام آیتالله گلپایگانی، آیتالله حجت، آیتالله صدر و امام خمینی و آیتالله بروجردی کسب علم نمود تا در سال ۱۳۶۹ از قم راهلی حوزه علمیه نجف شد و در درس آیات عظام وقت آیتالله حکیم، عبدالرحیم رشتی، میرزا باقر زنجانی، بجنوردی و علامه محمدحسین کاشف‌القطاء شرکت، و بهره شایانی برد و از بعضی آیات اجازه روایتی و غیره دریافت داشت.

در سال ۱۳۷۲ قمری بر اثر مسائل و لازمبودن وجود ایشان رهسپار تبریز شد. در تبریز نماینده کل و تمام‌الاختیار امام فقط ایشان بودند و لذا دارای مسئولیت بسیار سنگینی بودند. ایشان دارای مبارزات وسیع علیه رژیم بود مخصوصاً بعد از سال ۱۳۴۱ شمسی که مبارزات اوچ گرفت و رژیم

چهل سال پیش باخورد و هوش زیستم آخر نیافتم بحقیقت که چیست عاقل زهست گوید و عارف زنیستی من در میان آب و گل هست و نیستم (۱) (نقل از کتاب (سه‌شهید) مطهری می‌گفت:

# از زبان نزدیکترین یار...



گفتگویی اختصاصی  
با حجة الاسلام  
سید حسین موسوی  
تبریزی  
دادستان کل انقلاب

به مناسبت سومین سالگرد شهادت شهید آیتالله قاضی طباطبائی به پای صحبت حجت الاسلام سید حسین موسوی تبریزی، دادستان کل انقلاب اسلامی، یکی از دوستان نزدیک و یاران همراز شهید قاضی طباطبائی نشستیم و ایشان پیرامون سابقه آشنائی خود با شهید، خصوصیات اخلاقی، مقام و مرتبه علمی و آثار ارزنده شهید، سابقه مبارزاتی و ایستادگی و مقاومت در مقابل دژخیمان ساواک و همچنین اقدامات و خدمات ایشان بعد از انقلاب و مقابله با ضدانقلاب و نیز خاطراتی از آن شهید بزرگوار را بدین شرح برای ما نقل کرد:

س- لطفاً در مورد سابقه آشنائیتان با آیتالله شهید قاضی طباطبائی و درباره مقام علمی ایشان بفرمائید.

ج- بسم الله الرحمن الرحیم آشنائی من با ایشان از سال ۴۲ شروع میشود که خودم با ایشان آشنائی نزدیک و همکاری شدید داشتم. وقتی که مبارزات اسلامی ملت ایران به رهبری امام امت در سال ۴۲ شروع شد، یکی از رهبران این نهضت در سطح آذربایجان شرقی مرحوم آیتالله شهید قاضی طباطبائی بود. باتوجه به اینکه ما در آن سالها نزد ایشان درس هم میخواندیم، آشنائی نزدیک با ایشان داشتیم در مبارزات با ایشان همکاری میکردیم و فعالیت ما با ایشان هر روز بیشتر شد. ایشان از نظر فضل و تحصیلات علمی و دانش و از نظر فقه و اصول در حد اجتهاد بودند که از بزرگان علما و فقها اجازه اجتهاد دراهم داشتند.

ایشان به قم رفته بودند پیش امام امت و درس فلسفه و درس فقه خوانده بودند در نجف هم که رفته بودند، در فقه و اصول بیشتر در درس آیتالله العظمی حکیم شرکت کرده بودند و استاد فقهشان ایشان بود و فقه و اصول صاحب نظر بودند. در مسائل سیاسی و اجتماعی استاد ایشان مرحوم علامه بررگوار غلامحسین کاشف الغطاء و مرحوم اردوبادی بودند و مرحوم علامه کاشف الغطاء در مطلع بودن از مسائل سیاسی و انقلابی و اجتماعی اسلامی زبانزد عام و خاص بود. علاوه بر استادی و شاگردی علاقه خاصی مرحوم شهید قاضی طباطبائی با علامه بررگوار کاشف الغطاء داشت و ایشان هم علاقه خاصی به ایشان داشت و مراسمات و نامهایی که بین مرحوم قاضی طباطبائی و کاشف الغطاء بعد از مراجعت قاضی از عراق به ایران نوشته شده خودش دو جلد کتاب شده که خود آقای قاضی با نظر و تحقیق بررسی آنها را چاپ کرده است و مسائل بسیار حساس و مفید اجتماعی هم داخل آنها هست.

## ● روحیه و خصوصیات اخلاقی

س- مقداری در مورد کیفیت روحیه و خصوصیات اخلاقی شهید توضیح بدهید.

ج- روحیه ایشان بسیار روحیه انقلابی اراده ایشان از هر جهت قاطع بود، وقتی تصمیم می گرفت از هیچ چیز نمی ترسید، در برابر دشمنان شدیداً متهور و سازش ناپذیر و در برابر دوستان همیشه مؤدب و خاضع و متواضع بود. از نظر قلم، ایشان قلم عربی به صورت جدید در سطح خیلی عالی و فوق العاده بود کتابها و حتی مقالات زیادی در مجلات مصر از ایشان چاپ شده که بسیار مفید بوده است. اطلاعات ادبی ایشان بسیار وسیع بود آگاهی شان در رابطه با تفسیر و نهج البلاغه و تاریخ ائمه اطهار بسیار وسیع بود. در این جهت کتابهای زیادی نوشته است. مطالعات و تتبع او کم نظیر بود و در مطالعه حوصله زیاد داشت. هر کتابی که می گرفت، قبل از اینکه مطالعه کند در جایش نمی گذاشت و در قفسه قرار نمی داد. کتابخانه بسیار معظمی داشت که کتابهای خطی بسیار ارزنده ای از اجدادشان به ارث رسیده بود و خودشان هم مقداری خریده بودند، کتابخانه او شاید بتوان گفت در ایران از کتابخانه های شخصی بسیار کم نظیر است و خیلی کتابهای مفیدی داشت. از نظر اعتقاد به مسئله ولایت فقیه ایشان از سال ۴۲ وقتی صحبت میشد مسئله ولایت فقیه را رویش تکیه می کرد و لذا به امام امت شدیداً معتقد بود و علاقه داشت. تنها کسی بود که در آذربایجان شرقی تقلید امام را به مردم توصیه میکرد و به خصوص بعد از آیتالله حکیم که در سال ۴۹ وفات کردند، ایشان مردم را به امام امت آیتالله العظمی خمینی ارجاع می دادند.

## ● سابقه مبارزاتی شهید

س- شهید قاضی طباطبائی یکی از چهره های مشهور و مبارز هستند در رابطه با مبارزات ایشان با رژیم منفرور پهلوی بیشتر توضیح بدهید.

ج- در رابطه با مبارزات ایشان باید بگویم که پرونده ایشان در ساواک بسیار گویاست، پرونده ای در تبریز داشت حدود چهار جلد که در همه آنها از سازش ناپذیری و قاطعیت ایشان صحبت بوده تمام تلفهائش در کنترل بوده بطوری که تمام آنها را ضبط کردند و تمام آن الان موجود است. در سال ۵۷ افرادی از روحانی نماها از طرف نخستوزیری از تهران پیش ایشان رفتند که ایشان به امام بنویسد یا خودش برود پاریس پیش امام و عرض کند که امام از اعتراض به شاه دست بردارد و باقی هر چه می خواهد بگوید. در پرونده منعکس است که ایشان خودش می گوید که نخیر ریشه تمام فسادها شاه هست و امام خودش بهتر از ما میداند و هر چه امام بگوید ما مطیع و تابع هستیم به عنوانی مختلف ساواک ایشان را خواست از بین ببرد یکی از طریق زندانی کردن که دو بار زندان رفت و دیگر از طریق تبعید در داخل که ایشان دوبار تبعید شد و از طریق تبعید به خارج که یکبار هم به نجف تبعید شد و حدود یکسال و نیم (در سال ۴۴) در نجف بودند بعد که از نجف برگشتند دوباره شروع به صحبت کردند. یادم هست که تقریباً در سال ۴۵ بود که از امام درس خانانش اسم بردند و در رابطه با حکومت اسلامی و پیرامون حسابات اسرائیل صحبت کردند و لذا ساواک ایشان را شش ماه



● ایشان در آخرین نماز جمعه شان در روز عید قربان گفته بودند که مرا تهدید به قتل میکنند، من از شهادت نمی ترسم و آمادهم و از خدا میخواهم و همان شب هم شهید شدند.

● ایشان شدیداً بر اعصاب خود مسلط بود بطوری که وقتی ساواکیها ریختند که او را ببرند همانجا به آنها تاخته بود و گفته بود، دست به من نزنید، شما نجس هستید و نگذاشته بود دست به او بزنند.

● در برابر خدا چشم گریانی داشت و علاقه و عبادت و تضرع و زیارت در او زیاد بود.

به بافت کرمان تبعید کرد که هیچکس را نگذاشتند به ملاقات او برود من به ملاقات ایشان رفتم و وقتی برگشتم، مرا گرفتند و ملاقاتش را غیر از خانواده اش در بافت کرمان ممنوع کردند و بعد از آن شش ماه در زنجان تبعید بودند و بعد هم که تبریز آمدند، شدیداً تحت کنترل بودند.

## ● مبارزه دو طرفه

چون از طریق هم نتوانستند برایشان مسلط شوند، آمدند از طریق تحریک روحانیون دیگر علیه ایشان که خیلی از آنها طرفدار شریعتمداری بودند اقدام کردند. وقتی ایشان وارد مجلس می شدند طرفداران شریعتمداری

شدیداً می خواستند به او اهانت کنند و اصلاً در برابرش بلند نمی شدند، جانمیدادند و باید بگویم که ایشان تنها روحانی بود که در ایران سختی های مبارزه با آخوند و مبارزه با شاه را کشیده است، ایشان هم باشاه مبارزه می کرد و هم با شریعتمداری مبارزه می کرد و در تبریز اگر مردم اکثریت با شریعتمداری نبودند ولی آخوندها اکثریت با شریعتمداری بودند و این معمین میرفتند بالای مسبر علیه ایشان صحبت میکردند و در مجالس علیه ایشان قیام میکردند و به این معنا اهانت میکردند جا نمیدادند. در عین حال مسجد ایشان با اینکه مسجد بزرگی است همیشه مورد توجه مردم بوده و این مسئله همیشه مورد حسادت دیگران بود. ایشان هر وقت میخواست بازار بسته میشد، هر وقت میخواست نیندند نمی بستند. مبارزات که شروع شد رهبری مبارزات دست ایشان بود در ۲۹ بهمن سال ۵۶ که جهلم شهدای قم بود و در تبریز شلوغ شد و مبارزات اوج گرفت اولین کسی که اعلامیه را امضاء کرد و برای فاتحه خوانی شهدا حاضر شد که آن مسئله پیش آمد که در انقلاب ما بسیار مؤثر بود و من خودم کسی را از قم به تبریز فرستادم و رفت پیش ایشان مینوت اعلامیه را نوشت بعد بردند دیگران هم امضاء کردند در مبارزات همیشه جلوتر بود در ساواک نواری هست که من چند روز پیش گوش میکردم و شدیداً متأثر شدم در آن نوار مرحوم آیتالله اشراقی از پاریس تلفن می کند. در یکی از روزهای سال ۵۷ وقتی تظاهرات میکنند و آیتالله قاضی خود در جلو بوده میروند جلو سفارت آمریکا در تبریز و آنجا به طرف مردم نیرانداری میشود که ده پانزده نفر شهید میشوند و چند نفر زخمی میشوند. بعد جریان را خدمت امام عرض میکنند. امام دستور میدهند آیتالله اشراقی از مرحوم قاضی سؤال کنند. در آن نوار یکی از سوالات اینست که آیا از علماء هم کسی بوده ایشان میگویند که از علمای متوسط بودند ولی در این شهر از علمایی که در سطح بالا هستند و پیرمرکها چون طرفدار شریعتمدار بودند هیچ کس نمی آیند و اینجا من تنها خودم هستم که میروم جلو و این مسئله در نوار ساواک ضبط است و الان پیش من موجود است، صدای ایشان و صدای اشراقی هم موجود است و یکی از یادگاریهاست که باید بماند برای نسل آینده بالاخره به تنهایی واقفا هم با شاه مبارزه میکردند هم با افراد روحانی نمای در اصل مضرت تر از شاه که در تبریز بودند مبارزه می کردند و من گمان میکنم که ایشان بیشتر فدا و قربانی این مسئله شدند اگرچه بظاهر فرقانی ها او را کشتند ولی در واقع می دانیم تحریک از جاهای دیگر بوده است که مسئله تبریز را با وجود ایشان نمی توانستند بوجود بیاورند.

## ● شرافت نسبی و نفوذ در مردم

روحانی بسیار بانفوذ ریشمدار هست که اگر ۵۰۰ سال به عقب برگردیم می بینیم پدرشان، جدشان، اجدادشان تمام روحانیت بانفوذ بودند همیشه مبارز بودند در سطح بسیار بالایی و از مجتهدین بزرگوار بودند، ایشان از نظر شرافت نسبی در سطح خیلی بالاست و از نظر نفوذ در میان مردم خیلی بالا بود و از نظر روحیه انقلابی شدیداً قوی بود و لذا قهری بود که اگر میخواستند در تبریز کاری انجام بدهند، باید ایشان را می کشتند و روزی که ایشان شهید شد روز عید قربان بود در سال ۵۸ من در مکه بودم در آنجا به رفقا گفتم و در سخنرانی نوار هم ضبط شده این مسئله مقدمه شروع آشوب در تبریز است و ما چند روز دیگر خواهیم دید که در تبریز چه خواهد شد و همینطور هم شد. ایشان در دهم ذیحجه بشهادت رسیدند و یکماه نگذاشته بود که در تاسوعا و عاشورا این اشرا حزب خلق مسلمان آن آشوب را شروع کردند هنوز جهلم ایشان نشده بود که رادیو و تلویزیون را تسحیر کردند و این مسائل پیش آمد و با وجود ایشان امکان نداشت پیش نیاید. بالاخره زحمات فراوانی در انقلاب کشیده است که با این مختصر نمیشود گفت، باید در شخصیت ایشان کتابها نوشت و پرونده های ساواک همیشه معرف شخصیت ایشان است که چگونه ساواک دنبالش بود و هیچکار نتوانسته است انجام دهد.

# با آیت الله موسوی اردبیلی پیرامون شهید قاضی طباطبائی



در رابطه با شخصیت علمی، سیاسی، سابقه مبارزاتی و خصوصیات اخلاقی شهید آیت الله قاضی طباطبائی خبرنگار ما مصاحبه‌ای اختصاصی با آیت الله موسوی اردبیلی انجام داده است که ذیلاً از نظر آن می‌گذرد:

● شهید قاضی طباطبائی یکی از چهره‌های برجسته علمی و یک روحانی رده بالا بود.

● ما نباید قاضی طباطبائی‌ها را فراموش کنیم بلکه باید تلاش کنیم راه آنها را به همان شکل ادامه دهیم و بدانیم که بالاخره سعادت و توفیق همراه ما خواهد بود.

وانگیزه میداد. بعد از انقلاب هم در به ثمر رسانیدن انقلاب، حفظ انقلاب تا پای جان پیش رفت و خدماتش بسیار ارزنده و چشمگیر بود. من همین مقدار می‌توانم در مورد ایشان بگویم که مبارزات و خط فکری ایشان بسیار خوب بود.

س- نحوه برخورد شهید قاضی طباطبائی با برخی خطوط انحرافی از جمله جریان شریعتمداری بخصوص در منطقهای همچون آذربایجان چگونه بود؟

ج- ایشان تا آنجا که من در نظر دارم از قبل در رابطه با شریعتمداری خط مقابله با او را داشتند و رود روی او ایستاده بودند، حتی در

س- لطفاً پیرامون شخصیت و ابعاد علمی شهید قاضی طباطبائی مطالبی بفرمائید.

بسم الله الرحمن الرحیم- مرحوم شهید آقای سید محمد علی قاضی طباطبائی یکی از چهره‌های برجسته علمی و قلمی آذربایجان بود، ایشان در تبریز از شخصیت‌های علمی ورده بالای روحانیت بود و در قم هم که تشریف داشتند یک شخصیت شناخته شده علمی و مورد احترام بود. خلاصه ایشان هم در تبریز و هم در قم یک چهره شناخته شده و یک روحانی رده بالا بود

س- نفوذ معنوی ایشان در اهالی آذربایجان چگونه بود؟

می‌گیرند همیشه نقش خود را حفظ می‌کرد و مسئولیت خود را به بهترین نحو انجام می‌داد.

س- اساتید و شاگردان شهید قاضی طباطبائی چه کسانی بودند و نیز ایشان چه آثاری دارند؟

ج- ایشان در دوره‌ای در قم درس می‌خواند که در آن دوره آیات ثلاثه یعنی مرحوم سید محمد خوانساری، مرحوم سید محمد حجت کوه کمرهای و مرحوم آیت الله صدر در قم اوضاع را اداره می‌کردند و درسهای بالا را هم اینها تدریس می‌کردند، همه فضلاء همدرس وهم سطح مرحوم قاضی از خدمت این اساتید استفاده می‌کردند و من یادم می‌آید که ایشان در درس این فضلا شرکت می‌کردند. کلاسیک روحانیت و حوزه‌ها این است که هر کس در یک مقامی از علم قرار می‌گیرد البته اگر یکمقدار با هوش باشد پیش کسی درس می‌خواند و به گروهی هم درس می‌دهد.

و این مقدار عرض می‌کنم که ایشان فردی بود معروف هم در نجف و هم در قم در میان روحانیت پاره‌ای از آنان هستند که اهل قلم هستند و اهل مطالعات عرضی. ما در حوزه یکسری اطلاعات طولی داریم و یک اطلاعات عرضی، اطلاعات طولی به دروس کلاسیک حوزه می‌گویند، بعضی‌ها در همان خط حرکت می‌کنند یعنی اطلاعات دیگری ندارند، از قبیل تاریخی، تفسیری،

متعدد و آثار قلمی بسیار متعددی از ایشان به چاپ می‌رسید. مثلاً من یادم هست راجع به «الفرودس الاعلی» که کتابی است به قلم کاشف اللفاء ایشان پاورقی به آن نوشته است که در تبریز به چاپ رسید. و کتابهای دیگر، که اسامیش الان یادم نیست. س- چه خاطراتی از شهید آیت الله قاضی طباطبائی دارید؟

ج- یکی از مسایلی که لازم است بگویم و برای من بسیار جالب است ادب ایشان بود، این شخصیت، مرد بسیار مودبی بود، وقتی که انسان به منزل ایشان وارد می‌شد بسیار گرم از او پذیرایی می‌کرد، جلسات او بسیار روح بخش و فرح بخش بود، انسان وقتی به منزل

نامه بنویسیم، و قرار ما هم این بود که بعد از خواندن نامه‌ها آنها را پاره کنیم. یک وقتی که مأموران رژیم به خانه ایشان ریخته بودند یک نامهای هم از من در آنجا بود که ایشان پاره نکرده بود و بدست مأموران ساواک افتاد.

و زحماتی برای من ایجاد شد، بدون اینکه من از ایشان گله‌ای بکنم ایشان در مقابل این حادثه بارها این مسئله را پیش می‌کشید و از من عذرخواهی می‌کرد و من به ایشان می‌گفتم این یک مسئله‌ای عادی بوده و چیزی نیست که شما اینقدر ناراحت باشید بعد هم یک وقتی به ایشان گفتم دیگر این مسئله را تمام کنیم و راجع به این موضوع هیچ وقت صحبت نکنیم.

● او فردی بسیار مودب و جلسات او بسیار روح بخش و فرح بخش بود.

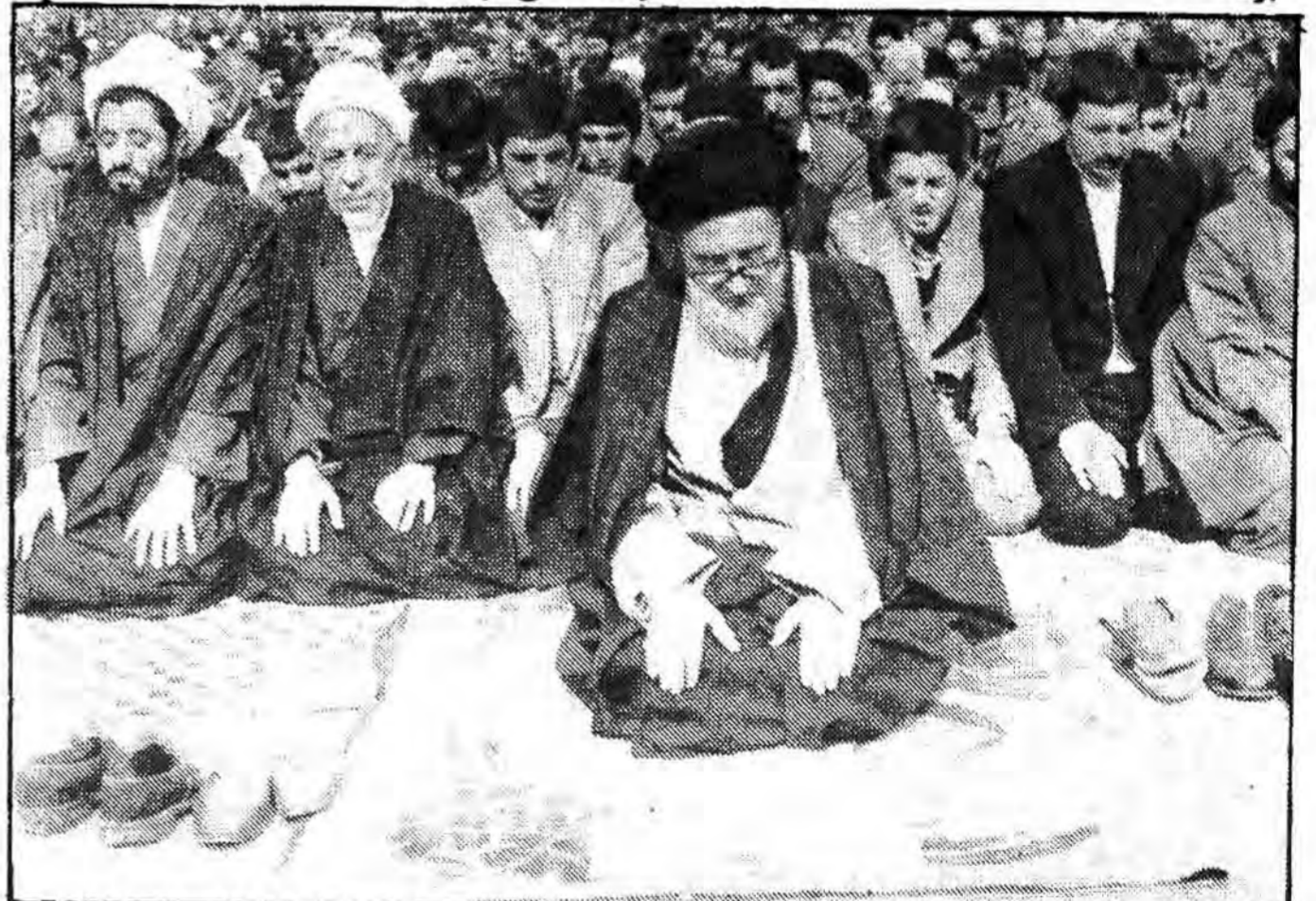
● او ارادتمند بسیار داشت، مردم او را می‌خواستند و دارای نفوذ کلمه وسیعی در شهرها و روستاهای آذربایجان بود.

● شهید قاضی طباطبائی نه تنها همراه و همقدم انقلابیون بود بلکه چند قدم جلوتر حرکت می‌کرد و برای دیگر انقلابیون سرمشق و یک عنصر محرک بود.

● او به عنوان یک شخصیت روحانی ممتاز از ناخالصی‌ها و انحرافات جریان شریعتمداری مطلع بود و با آن در تضاد قرار داشت.

ایشان می‌رفت خسته بیرون نمی‌آمد. مردی بود نسبت به مهمان خوش‌پذیر و در همان حدود که امکانات داشت، مردی بسیار وسیع‌القلب که این هم از خصوصیات ایشان بود. متواضع بود، مودب بود، از این روند فضیلتها من از ایشان خاطرات بسیاری سراغ دارم. من یادم هست که وقتی در اردبیل بودم، در رابطه با انقلاب ما با هم مربوط بودیم و با هم مکاتبه داشتیم، چون تلفن‌ها تحت کنترل بود، گاهی با همه مشکلات ما ناچار شدیم

در خاتمه به خوانندگان محترم روزنامه جمهوری اسلامی عرض می‌کنم که بدانند این افراد در ایران در راه مبارزه و انقلاب صمیمانه زحمت کشیدند. و زحمتهای چشمگیر و طاقت‌فرسایی را متحمل شدند و خون و جانشان را فدا کردند، نباید ما اینها را فراموش کنیم و راه اینها را از یاد ببریم بلکه تلاش کنیم راه اینها را با همان شکل ادامه دهیم و بدانیم که بالاخره سعادت و توفیق خداوند همراه ما خواهد بود.



موقعی که هنوز این بساط پیش نیامده بود. بعنوان یک شخصیت روحانی ممتاز از ناخالصی‌ها و انحرافات این جریان مطلع بود. لذا اکثرًا در مقابله و تضاد با شریعتمداری بود.

س- مدیریت و نقش ایشان در آذربایجان چگونه بود؟

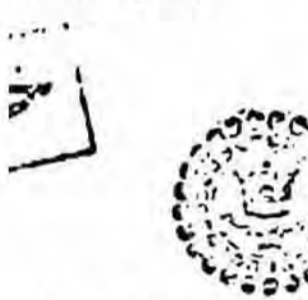
ج- اگر منظور نقش ایشان در پیشبرد اهداف انقلاب است او جزء آن شخصیت‌های اول بود، حتی در موارد خاص بحرانی که این گونه افراد در تنگناهایی قرار

ج- ایشان مردی بود که ارادتمند بسیار داشت، و مردم او را می‌خواستند هم در تبریز هم در شهرهای دیگر آذربایجان و نیز در روستاها ایشان دارای نفوذ کلمه وسیعی بود و مورد قبول هم بود.

س- موضعگیری سیاسی ایشان در رابطه با مسایل مختلف در قبل و بعد از انقلاب چگونه بود؟

ج- ایشان مبارزاتش بسیار درخشان بود. قبل از انقلاب مورد تعقیب دستگاه حاکمه قرار گرفت و رژیم شاه ایشان

خیلی محرمانه به ساواک آذربایجان از سازمان اطلاعات و درباره کمک مالی به نظر بر اینکه آقایان مجید واعظی و میرزا خمینی و قاضی هسته میلیون ریالی روحانیون فوق قرار داده شود و باید بر علیه خمینی و یعنی قاضی خرج و تبا اعلام می‌شود. رئیس سازمان



ما را که آن‌ها بایجان شرقی

ان سازمان اطلاعات عنوانیت

درباره کمک ما

نظر بر اینکه آقایان

مجید واعظی و میرزا

واعظی هستند

روحانیون در ساواک

شود و به آنها تاکید کرد

و سر دسته طرفداران

کرد و متوجه جهت

و شمس ساردا

و شمس ساردا

و شمس ساردا

و شمس ساردا

و شمس ساردا

و شمس ساردا

و شمس ساردا

و شمس ساردا

و شمس ساردا

و شمس ساردا

و شمس ساردا

و شمس ساردا

و شمس ساردا

و شمس ساردا

و شمس ساردا

و شمس ساردا

و شمس ساردا

و شمس ساردا

و شمس ساردا

و شمس ساردا

و شمس ساردا

و شمس ساردا

و شمس ساردا

و شمس ساردا

و شمس ساردا

و شمس ساردا

و شمس ساردا

محسن موسوی تبریزی:

# آیت الله قاضی طباطبائی محور مبارزات سیاسی آذربایجان بود

بود. اینچنین نبود که تازه انقلابی شده باشند. و مبارزاتشان ادامه داشت، و هیچگاه از خط رهبری منحرف نشد. از سال ۴۱ مبارزات ایشان بطور شدید ادامه داشت. خوب، کسی که هم از معلومات علمی برخوردار است و هم مبارزات سیاسی کامل دارد یک چنین عنصر کامل می‌تواند در اداره مملکت مفید باشد. در خط دادن به مردم مفید باشد و در تدویم انقلاب موثر باشد دشمن هم این افراد را شناسایی می‌کند و به شهادت می‌رساند.

روی این جهت گروه منحرف فرکان از جمله کسانی را که شناسایی و شهادت کرد آیت الله قاضی طباطبائی بود که شهادت ایشان هم مثل شهادت دیگر بزرگان در تبریز و ایران اثر مفیدی گذاشت و مردم بیشتر به مسایل انقلاب و حقانیت جمهوری اسلامی پی می‌برند در اینجا آنچه که لازم است بگویم این است که مبارزات سیاسی باید همواره با علم و تقوی همراه باشد یعنی چون آیت الله شهید قاضی طباطبائی هم عالم و متقی و هم یک مبارز سیاسی بود موفق بود. امروز هم موظفیم که مسایل درسی را فراموش نکنیم و فعالیت‌های سیاسی وقتی کاملاً موفق است که توام با علم و آگاهی و دانش و تقوی باشد. اگر علم و آگاهی نباشد بالاخره انسان در یک جایی متوقف خواهد شد و در خود تبریز هم افرادی بودند که در سالهای ۴۲ مبارز بودند ولی چون از علم و تقوی کافی برخوردار نبودند در راه ماندند و یا اینکه در راه منحرف شدند. منظور من این است که امروز هم مبارزات سیاسی و مسائل اجرایی و قضایی نباید موجب آن شود که ما مسایل درسی و علمی را فراموش کنیم. امثال شهید قاضی طباطبائی هم عالم بودند و هم مبارز بودند و هم متقی بودند و راه را ادامه دادند و به آخر هم رساندند یکی از دلایل موفقیت امام امت هم همین جهت علمی و عرفانی ایشان است. یکی از خصوصیات بارز دیگر شهید قاضی طباطبائی آداب معاشرت ایشان بود. این شهید بزرگوار بسیار مودب و خوش برخورد بود چه در زمینه مسایل خانوادگی و چه اجتماعی برخوردشان بامردم بسیار عالی بود. و حتی در مقابل افرادی که با ایشان ضدیت داشتند و می‌خواستند ایشان را بکوبند، اخلاق اسلامی را رعایت می‌کرد.

با اینکه خط و طرقداران شریعتمداری ایشان را اذیت و آزار می‌کردند چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب ولی ایشان هیچگاه نزاکت اسلامی و برخورد اسلامی را فراموش نکردند.

خیمینی بودند و هیچگاه به جناحهای انحرافی کمترین تمایلی پیدا نکردند و از همان زمان با خط شریعتمداری مخالفت میکردند.

مسئله‌ای که اهمیت دارد این است که مبارزات ایشان تداوم داشت.

بودند افرادی که در سال ۴۲ در تبریز مبارزه می‌کردند ولی بعد از مدت کوتاهی به دیگران تمایل پیدا کردند و یا اینکه بصورت فردی خنثی درآمدند ولی ایشان مرتب با رژیم و ساواک درگیر بودند.

و در همین رابطه چندبار به بافت کرمان و زنجان تبعید شدند و گاهی رژیم وی را دستگیر می‌کرد ولی از آنجا که بین مردم محبوبیت فراوان داشتند نمی‌توانستند مدت

داشتند که از روی آن مسایل را برای مردم مطرح می‌کردند. اما در زمینه سابقه سیاسی ایشان باید بگویم که او از مسائل کشور و جهان اطلاعات کافی داشتند و روی این جهت از بینش سیاسی قوی برخوردار بودند و شناخت روشنی از کشورهای منطقه داشتند.

و از سابقه سیاسی ایران و دیگر مسایل جاری در دنیا از اطلاعات خوبی برخوردار بودند.

شهید آیت الله قاضی طباطبائی در زمینه سیاست بسیار فعال و موثر بود و میتوان گفت یک فنرد شخصی در آذربایجان شرقی و غربی بود از سال ۴۱ و ۴۲ که مبارزات امام بصورت آشکار شروع شد ایشان هم به تبعیت از امام امت در تبریز شروع به فعالیت کردند. و

### ● شهید آیت الله قاضی طباطبائی از بینش سیاسی قوی برخوردار بود و شناخت روشنی از کشورهای منطقه داشت.

### ● محور مبارزات سیاسی در آذربایجان آیت الله قاضی طباطبائی بود.

### ● شهید قاضی طباطبائی از قبل از انقلاب، با خط شریعتمداری مخالفت میکرد.

### ● در مجموع ایشان یک نیروی موثر برای انقلاب و یک عنصر کاملاً جامع و بانفوذ در آذربایجان شرقی و غربی بود.

زیادی ایشان را در زندان نگهدارند ایشان در خانه، مسجد و مجالس مختلف مسایل جاری کشور را مطرح و افشاگری می‌کرد.

تا اینکه این اواخر بهجت اسلامی که در تبریز اوج گرفت ایشان با هم محور مبارزه مردم بودند در حادثه بزرگ ۲۹ بهمن در تبریز که مقارن با چهلمین روز شهادت انقلابیون قم بود اعلامیه‌ای چاپ شد از جمله کسانی که با اشتیاق کامل و با همکاری کامل امضاء کردند و قضیه را پی‌گیری کردند ایشان بودند که منجر به آن حادثه و قیام بزرگ تبریز شد. که در ایران و خارج صدای انقلاب را به همه جا رسانید.

ایشان در ایجاد کمیته‌های انقلاب تبریز نقش اصلی را داشتند و در اداره مردم در جهات مختلف که بعد از انقلاب پیش آمد هم محور بودند.

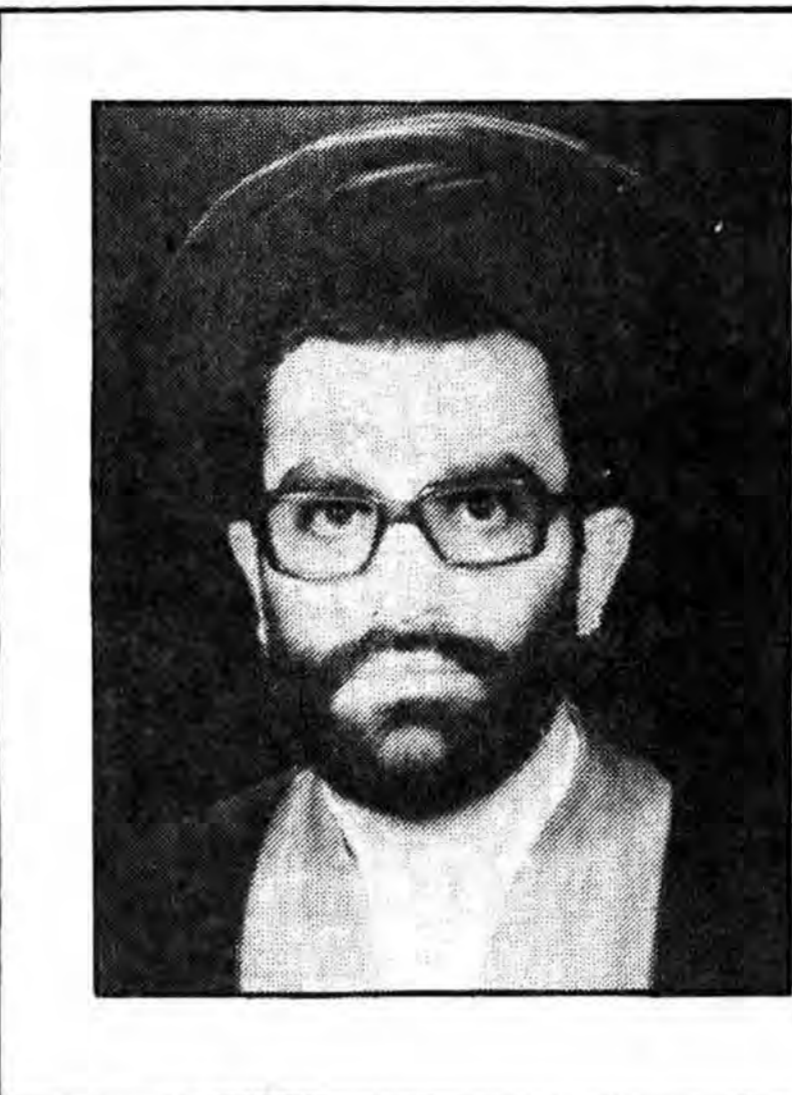
البته بعد از آنکه شهید محراب آیت الله مدنی به تبریز تشریف آوردند، آقای قاضی و مدنی در کنار هم جریانات را هدایت می‌کردند.

و حتی در نماز جمعه هر دو شرکت می‌کردند. گاهی آقای مدنی نماز جمعه را می‌خواندند و گاهی آقای قاضی طباطبائی امامت نماز جمعه را بعهده داشتند. در مجموع ایشان یک نیروی موثر برای انقلاب بود. یک عنصر کاملاً جامع و بانفوذ در آذربایجان شرقی و غربی

محور مبارزات سیاسی در آذربایجان آیت الله قاضی طباطبائی و مسجد ایشان بود. ایشان در تبریز به مسایل سیاسی از



قبیل تظاهرات و تشکیل مجالس می‌پرداختند و جریانات حاد سیاسی را رهبری می‌کردند. البته دیگران هم بودند که در این فعالیتها دخالت داشتند ولی فرد شاخصی که اداره می‌کرد و خط میداد شهید قاضی طباطبائی بود. ایشان از سالهای بسیار دور به امام علاقه داشتند و در خط امام



این جهت یاورقی‌هایی که به کتاب‌های مرحوم کاشف الغطاء داشتند اصل کتاب عربی است و یاورقی‌ها هم عربی است. بالاخره ایشان در زمینه‌های مختلف اطلاعات کافی و در زمینه مسایل سیاسی و جغرافیایی هم اطلاعات خوبی داشتند. اصولاً ایشان یک کتابخانه کاملاً جامعی دارند کتابهایی که از پدر ایشان مانده بود و کتابهایی که متعلق به خود ایشان بود و کلاً هر کتابی که در سطح حوزه‌های علمیه چاپ می‌شد چه عربی و چه فارسی به ایشان ارسال

با آقای محسن موسوی تبریزی نماینده مجلس شورای اسلامی پیرامون خصوصیات اخلاقی، جایگاه علمی و سوابق مبارزاتی شهید آیت الله قاضی طباطبائی به مصاحبه می‌نشینیم. آقای موسوی تبریزی در این رابطه می‌گوید: آیت الله قاضی طباطبائی از نظر خانوادگی اهل تبریز و معمولاً پدر و اجداد ایشان از علمای بزرگ بودند، خواه در خود تبریز و یک خانواده معروف و اصیل تبریزی بودند و سالها در میان مردم تبریز شهرت علمی و اخلاقی محبوبیت ویژه‌ای برخوردار بودند.

راجع به تحصیلات و معلومات ایشان باید بگویم که تحصیلاتشان بعد از مقدماتی که در تبریز فرا گرفتند در قم یکمقدار تحصیلات داشتند و بعد هم به نجف رفتند و اکثر تحصیلات ایشان نجف بود و از نظر فقه و اصول در مباحث درس آیت الله سید محسن حکیم شرکت میکردند و در جهات مختلف دیگر علمی و سیاسی در نزد مرحوم کاشف الغطاء درس خوانده بودند. در رابطه با معلومات و اطلاعات ایشان باید گفت که در فقه و اصول به درجه اجتهاد رسیده بودند و عمده معلومات عمومی را به حد کافی داشتند و در معارف و مسایل اجتماعی و سیاسی اسلام و در تفسیر ایشان یک معلومات جامعی داشتند. جامع از این جهت که شهید قاضی طباطبائی نوشته‌هایی هم داشتند از جمله یاورقی‌هایی که به بعضی از کتابهای کاشف الغطاء نوشته بودند که بسیار مفید بود. و اینجا من عرض می‌کنم که ایشان قلم عربی بسیار خوبی داشتند. در قلم فارسی خوب بودند ولی در نوشتن به زبان عربی مهارت خاصی داشتند روی

حینی در تبریز می حکم آباد و میرزا نی سردسته مخالفان کلیه بودجه ویژه ده یز در اختیار نامبردگان دد که بودجه مزبور اران خمینی در تبریز جهت اقدام سریع

کل کشور - سپهبد مقدم

شماره ۲۲۴ / ۱۳۳۶  
تاریخ ۱۳۳۶ / ۱۲ / ۲۲  
بیومت ...

مخالفت خمینی در تبریز

می حکم آبادی و میرزا سردسته مخالفان خمینی چه ویژه ده میلیون ریالی سردتان فریق قرار دادند. هر باید بر علیه خمینی جنی قاضی خرج و تبلیغ می شود.

کشم - سپهبد مقدم

...

به شهید قاضی یک میان این می باشد

بقیه از صفحه ۳

● آثار ارزنده شهید

س- لطفاً بفرمائید که از ایشان چه آثار اعتقادی و علمی بجای مانده است و در چه زمینه‌هایی میباشد.

ج- از نظر علمی و قلمی هم آثار و کتابهای بسیار زیادی دارد که از جمله مراسمات ایشان با کاشف‌الغطاء، و در رابطه با حضرت امام حسین سلام‌الله‌علیه کتاب اربعین دارد که بسیار قطور است، تفسیر طبری را ایشان تصحیح کردند و مقدمه و تفسیر برایش نوشتند خیلی عالیست کتابهای اعتقادی که ایشان نوشتند و بالاخره کتابهای بسیار زیادی دارند که یکی از مجلات مصر بنام خود ایشان چاپ میشد و بسیار مفید واقع میشد و پاورقی‌ها و حاشیه‌ها و مقدمات بر کتابها هم زیاد دارد، نوشته و ایشان کتابهای چاپ نشده فراوان دارد که خطی است و امیدواریم که فرزندان ایشان بتوانند آنها را چاپ کنند.

در آذربایجان فقط ما یک شخصیت را داشتیم که بتواند در برابر این حرکت انحرافی قرار بگیرد و این شخص هم ایشان بود. البته شخصیتهای بزرگی مانند آیت‌الله انگری داشتیم ولی پیرمرد بودند و به این مسایل نمی‌توانستند برسند با اینکه شخصیت علمی خوبی بودند و طرفدار انقلاب بودند ولی پیرمرد بودند و نمی‌توانستند. ایشان تنها کسی بود که در آذربایجان میتوانست حرکتها را بسج کند و جهت بدهد.

● خدمات و اقدامات پس از پیروزی انقلاب

س- نقش ایشان در بعد از پیروزی انقلاب به چه شکل بوده و کلاً چه خدمات و اقداماتی بعد از پیروزی انقلاب داشتند؟

ج- بعد از پیروزی انقلاب همه کارها بمعهد ایشان قرار گرفت و هنوز نهادها بوجود نیامده بودند. اولین نهادی که بوجود آمد کمیته بود که ایشان در آذربایجان شرقی بودند و از طرف امام نامه‌ای به ایشان نوشته شد و ایشان کمیته تشکیل دادند و آذربایجان شرقی و غربی را در رابطه با کمیته‌ها هدایت می‌کردند و بعد در تشکیل دادن نهادهای انقلاب، در راه انداختن استانداریها، فرمانداریها و ادارات دولتی سخنرانیهایی می‌کردند و میتوانستند مردم را نگهداری کنند. در اعزام نیرو به نرده و آذربایجان غربی و کردستان در مراحل اول که مسائلی پیش آمد، شدیداً ایشان مؤثر بودند و خیلی نیرو فرستادند. در رسیدگی به محرومان و مستضعفان در روزهای اول پیروزی انقلاب منزل ایشان مرجع و مأوی بود برای دیگران و مستضعفین. در تشکیل نماز جمعه و اولین نماز جمعه که بعد از پیروزی انقلاب برگزار شد خود ایشان امام جمعه بودند و با آیت‌الله

مدنی که آن روزها تبریز بودند، یک هفته نماز را ایشان می‌خواندند. یک هفته آیت‌الله مدنی می‌خواندند که وقتی آیت‌الله مدنی به مجلس خبرگان آمدند همیشه ایشان نماز جمعه را می‌خواندند و هنوز مجلس خبرگان تمام نشده بود و حدود ۸ ماه از پیروزی انقلاب می‌گذشت یعنی در آبانماه ۵۸ ایشان شهید شدند که حدود این ۸ ماه همیشه رهبری انقلاب در آن خطه بمعهد ایشان بوده است و در آن روزها هنوز ادارات به کار نیفتاده بود و نهادها حتی سپاه هنوز تشکیل نشده بود.

مرحوم قاضی رحمه الله علیه همه اینها را هدایت می‌کرد و البته دادگاه انقلاب تبریز تازه تشکیل شده بود و من خودم آنجا رفته بودم و همکاری ایشان با ما خیلی زیاد بود از جمله در نگهداری اموال از حیث وسایل که از بین نرود و نابود نشود، مانند نگهداری زندان که هیچ تخریبی در آن نشده بود، استانداری، فرمانداری، رادیو تلویزیون، اسناد ساواک جز پادگان که روز اول و دوم که یکمقداری خراب کرده بود و ضدانقلاب از جمله موسی خیابانی ملعون رفته بود آنجا پادگان را مقداری خراب کرده بود و ایشان جلو او را گرفته بودند و اموال را در تبریز دقیقاً حفظ کرده بودند و حتی یک پرونده از ساواک و اسباب دیگر از بین نرفته و حفظ شده و همه اینها در سایه نظارت ایشان بوده است و نماینده می‌فرستاده و همه را حفظ می‌کرده و از اینجهت ایشان در آذربایجان شرقی وجودشان بسیار مفید بوده است.

● آخرین کلام شهید، آمادگی برای شهادت

بلاخره در نماز جمعه در سخنرانی آخرشان که روز عید قربان سخنرانی کرده و ایشان این مسئله را گفته بود که مرا تهدید به قتل می‌کنند من از شهادت نمی‌ترسم آمادام و از خدا می‌خواهم: که این سخنانشان بسیار جالب و سندی است و همان شب هم شهید شدند امروز کسانی که این سخنرانی‌ها را بکنند یک چیز رایجی است زیرا که امام جمعه‌ها را بیشتر بشهادت میرسانند ولی آن روز این مسئله رایج نشده بود که ایشان در آن مسئله سخنرانی بکنند و تقریباً میشود گفت که آگاه شده بود که به لقائالله پیوست.

● وقتی که مبارزات اسلامی ایران به رهبری امام امت در سال ۴۲ شروع شد، یکی از رهبران این نهضت در سطح آذربایجان شرقی مرحوم آیت‌الله شهید قاضی طباطبائی بود.

● در برابر دشمن شدیداً متهور و سازش‌ناپذیر و در برابر دوستان همیشه مؤدب و خاضع بود.

● ایشان از سال ۴۲ روی مسئله ولایت فقیه تکیه میکرد و لذا به امام امت شدیداً معتقد بود و علاقه داشت.

● پرونده مبارزاتی آیت‌الله قاضی طباطبائی در ساواک بسیار گویاست، حدود ۴ جلد پرونده در ساواک تبریز داشت که در همه آنها از سازش‌ناپذیری و قاطعیت ایشان صحبت شده بود و حتی تمام تلفنهایشان را کنترل و ضبط میکردند.



● اگرچه بظاهر فرقا نیها او را کشتند ولی در واقع تحریک از جاهای دیگر بود که با وجود ایشان نمی‌توانستند مسئله تبریز را بوجود بیاورند.

واقعا خدمات ایشان هم قبل از پیروزی انقلاب در راب بانقلاب در رابطه با مردم در رابطه با اسلام و آموزش و هدا مردم خیلی زیاد است که با این مختصر نمیشود همه گفت:

● اطاعت از اوامر امام

س- اگر خاطره‌ای از ایشان دارید شرح دهید. ج- خاطراتی که من از ایشان دارم خیلی زیاد است ولی یکی دوتا از خاطرات روحی ایشان را می‌گویم ایشان در ۴۳ وقتی که تبعید شده بودند به تهران و در زندان بود بعد وقتی که از زندان آزاد شدند، شاه دستور داده بود همانطور که امام رایکمقدار در قیطره نگه داشتند، ی منزلی هم به ایشان داده بودند تا ایشان چند ماهی در آن بمانند وزیر نظر باشند و امام دستور داده بود که ایشان تبریز بروند چون خیلی مشورت شده بود و ایشان از ام پرسیده بود که امام به ایشان گفتند بروند تبریز و به حر اینها گوش نکنند وقتی ایشان آمدند تبریز با قطار آمد و بین ایستگاه راه آهن و منزل ایشان حدود ۵ تا ۶ کیلومتر است و خیابان بسیار وسیعی است که این خیابان مملو مردم بود و خیلی هم گاؤ و گوسفند آورده بودند که قربا کنند و شعارهای نصر من الله و فتح قریب می‌دادند. ایشان حرف دولت گوش نکردند و آمدند و بسیار جالب بود ایشان سخنرانی کردند و گفتند ما از هیچ چیز نمی‌ترسیم من است دوباره ما را ببرند ولی وظیفه ما این است که تابع ولی فقیه باشیم و وقتی گفتند ما آمدیم و بعد هم ایشان شدید بر اعصاب خودش مسلط بود به طوری که وقتی ساواک ریختند که او را ببرند ایشان همانجا به آنها تاخته بود، آنها گفته بود دست به من نزنید، شما نجس هست و نگذاشته بود دست به او بزنند و گفته بود من خودم می‌افتم و می‌آیم و خودم لباس پوشیده بود و می‌خواه بیاید، این مسئله را گزارش می‌کردند به ساواک که اینجا است و نمی‌گذارد دست به او بزنیم و برای اینکه عقده خا کنند و او را اذیت کنند آنجا دستور داده بودند که نگذار لباس بپوشد و کاری بکنید که چند نفر دست و پایش بگیرند و بیاورند.

ایشان هم نخواستند بود بگذارد و بالاخره بازور ایشان کشان کشان که وقتی کشیده شده بود پوست دستش را بود و سرهنگ سلیمی خبیث رئیس ساواک بود که دست داده بود که البته ما او را محاکمه کردیم و محکوم به اع شد و به جهنم واصل شد. ولی وقتی با همان لباس رفته ب ساواک گزارش ساواک اینست که آیت‌الله قاضی در اتا نشستند و هیچکدام از افراد و بازپرسها جرأت نکردند برا با ایشان صحبت کنند حتی خود سرهنگ سلیمی، بعد مدتی خودش تلفن می‌کنند و یک نفر می‌رود لباس و عم و اینها را می‌آورد بعد ماشین تهیه می‌کنند و ایشان را دو می‌فرستند تهران و در تبریز جـرا

نمیکنند چیزی بگویند ایشان آمدند تهران و مدتی ت نظر بودند بعد ایشان را به نجف فرستادند از این خاطره که در برابر اینها شدیداً مقاومت می‌کرد زیاد است.

● بی‌اعتنایی به مقامات دولتی رز گذشته

مثلاً استانداری آمده بود در تبریز و خیلی نظامی بو بارها میشد که با ایشان در مجلس می‌نشستیم و استاز وارد می‌شد اصلاً اعتنا نمی‌کرد تمام بلند می‌شدند و ایث اصلاً، اگر استاندار پهلوی هم می‌خواست بنشیند و نمی‌داد و می‌گفت برو آنطرف بنشین و بلند نمیشد و اینکه مأمورین شهربانی و افسرها اگر یک وقت می‌آما چیزی اظهار میکردند، ایشان اصلاً اعتنا نمی‌کرد و می‌کرد و نمی‌گذاشت آنها صحبت کنند و یادم هست ا یک وقتی باهم می‌رفتیم به نماز یک مسجدی بود که ه درباریان آنجا فاتحه می‌گرفتند آنجا را برای دیگران مع کرده بودند و ایشان هم نماز جمعه می‌خواست برود ا آنجا رد میشد و پیاده هم میرفت البته راههای دیگری داشت ولی نوعاً از آنجا رد میشد.

وقتی باهم داشتیم میرفتیم من هم نگفتم تا ببینم میشود و او همینطور سرش را پایین انداخته بود و نوعاً هیچ کجا هم نگاه نمی‌کرد سرش را پایین انداخته بو می‌رفت اصلاً به این طرف و آنطرف نگاه نمی‌کرد بعد ی افسر مهم شهربانی آمد آنجا و گویا یکی از وزراء مرده ب و آنجا فاتحه گرفته بودند آمد و گفت: «آقا اینجا مه است از آنطرف تشریف ببرید» ایشان خیلی تند گفت: « گمشو» و اهانتی به او کرد که آن افسر اصلاً نتوان حرفی بزند از ترس رفت کنار و ما هم راحت رفتیم این بود ایشان، هیچ اعتنایی به مقامات دولتی نداشت اصلاً آنها اهمیت نمی‌داد.

ایشان وقتی تصمیم می‌گرفت و بخصوص وقتی عصب میشد از هیچ قدرتی در مقابل خودش نمی‌ترسید ا وحشت کند و در رابطه با خدا و عباداتش خاطرانش بس زیاد است که واقعا در برابر خدا خیلی چشم گریانی دا، و تضرع و علاقه به عبادات و تضرع و زیارت در او زیاد بو

# فضیلت صلوات بر رسول اکرم (ص) و اولاد طاهرینش

بقلم شهید آیت الله سید محمد علی قاضی طباطبائی



تسبیح حضرت زهراء (ع) بتول (ع) بشود. امام صادق (ع) فرموده: ما اطفال خودمان را به آن تسبیح امر می‌کنیم مانند اینکه بنماز امر می‌نمائیم و آن تسبیح بعد از هر نماز بمن محبوبتر از هزار رکعت نماز خواندن در هر روز است. و جای شک نیست که آن تسبیح مبارک از افضل تعقیبات است.

و اگر کسی بعد از تکبیرات سه گانه بعد از نماز آیه شریفه: ان الله و ملائکته یصلون علی النبی... الخ را بخواند و بعد از آن صلوات بفرستد و بعد مشغول تسبیح صدیقه طاهره (ع) بشود مانعی ندارد بنحویکه در تشهد نشسته بود بوضع نشستن خود چنانچه بیان شد تغییر نداده باشد و تسبیح حضرت زهرا (ع) را بجا بیاورد در موقع خود آورده است. شیخ صدوق قدس سره در کتاب خصال بسندیکه در غایت و ثاقت و اعتبار است از امام صادق (ع) نقل کرده که: در مجلس واحد چهارصد فقره از چیزهاییکه برای شخص مسلم در دین و دنیایش صلاحیت دارد تعلیم فرموده در ضمن همان حدیث شریف است که فرموده: فاذا فرغ العبد من صلاته فلیصل علی النبی (ع) ویسأل الله الجنة ویستجیر من النار و یسأله ان یزوجه من الحور العین، فانه من صلی علی محمد النبی (ص) سمعه النبی و رفعت دعوته... الخ

و از مطالب ارزنده و بحثهای پسنیدیده که تذکر آنرا در اینجا لازم میدانم آنست:

صلوات فرستادن بر رسول الله (ص) و اولاد طاهرین او (ع) در تمامی حالات و اوقات رجحان شرعی داشته و از اعمال حسنه و اقوال مستحبیه می‌باشد خصوصاً در موقعیکه بیشتر از شعائر دینی محسوب گردد و با صدای بلند چنانچه خود آن وجود مقدس دستور داده این شعار اسلامی را باید انجام داد.

و از مواردیکه صلوات گفتن بسیار خوب و هیچگونه رجحانش مشکوک نیست در تعقیبات بعد از نمازهای فرائض پنجگانه است که از تعقیبات مهمات بشمار است. بعضی از فضلاء گفته: افضل اعمال و افضل اورداد و از کار صلوات بر محمد و آل محمد است سلام الله علیهم جمعین بخصوص در عقب فرائض که باید بر همه دعاها صلوات را مقدم داشت.

در اسرار الصلاة ۲ در فصل تعقیبات پس از تکبیرات سه گانه بعد از نماز که از تعقیبات است گفته: بعد از آن صلوات فرستادن است و صلوات بصورت خاصی نقل کرده و بعد از آن بعضی تعقیبات دیگر بیان فرموده و گوید: ثم تسبیح الزهراء علیها سلام و الاخبار الواردة فی ضله کثیره الخ.

البته باید انسان از جای نمودن آن نخورده بنحویکه بر تشهد نماز قرار گرفته بود و آن فارغ شدن از نماز خود را قبله برنگردانیده در حال و بقیه و تورک و تکلم نموده و بسودر و نودر و نگر دانیده مشغول

الصبح و صلاة المغرب قبل ان یثنی رجلیه او یکلم احداً: ان الله و ملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه و سلموا تسلیماً اللهم صل علی محمد و ذریسته قضی الله له مائة حجة سبعین فی الدنيا و ثلاثین فی الآخرة قال: قلت ما معنی صلواته و ملائکته و صلاة المومن؟ قال: صلواته رحمة من الله و صلاة ملائکته تزکیة منهم له و صلاة المومنین دعاء منهم له.

و اما صلوات فرستادن بر غیر رسول الله صلی الله علیه و اله وسلم جائز بوده و قرآن مجید بر آن تصریح کرده است و فرموده: هو الذی یصلی علیکم و ملائکته و قول خداوند تعالی: وصل علیهم ان صلاتک سکن لهم و فرموده: الذین اذا اصابتهم مصیبة قالوا ان الله و انا الیه راجعون اولئک علیهم صلوات من ربهم و رحمة.

زمخشری گفته: اگر بیکی از اهل بیت علیهم السلام در تنهایی صلوات گفته شود مکروه است چون آن اتهام به رافضی بودن می‌گردد. زهی تعصب بی‌جا و عناد بی‌مورد که مدلول آیات قرآنی را زیر پا می‌گذارد و مانند زمخشری علامه‌ای را باظهار آن سخن ناهنجار و اداری می‌کند و بدون دلیل بکراهت یک امر جائز و بلکه راجح فتوی می‌دهد.

در اینجا مکالمات آیت الله علامه (ره) و مناظرات آن یگانه رادمرد فهامه بیاد انسان در مجلس سلطان خداداننده می‌افتد که آیت الله قدس سره خطبه بلیغه فصیحه ایراد فرموده و صلوات بر رسول الله (ص) و با همه معصومین (ع)

بقیه در صفحه ۸

باز در همان حدیث شریف قبل از فقرات شریفه فوق که نقل شد فرموده: و اذا قرأتم وان الله و ملائکته یصلون علی النبی ف صلوا علیه فی الصلاة کنتم اوفی غیرها از این فرمایشهای امام (ع) بخوبی استفاده می‌شود که بعد از فارغ شدن از نماز صلوات فرستادن استحباب دارد و هر وقت آیه شریفه: ان الله و ملائکته... الخ قرائت شود بصلوات گفتن امر فرموده است خواه در اثناء نماز باشد یا در غیر حال نماز و اگر آیه شریفه بعد از نماز خوانده شود پس باز امر بصلوات فرستادن فرموده است.

پس اگر بعد از فارغ شدن از نمازها آیه شریفه قرائت شود خواه پس از فراغت از نماز انفرادی باشد یا بعد از فارغ شدن از نماز با جماعت بوده باشد و آیه شریفه خوانده شود و مردم در عمومیت صدا بصلوات گفتن بلند نمایند چنانچه امر به بلند گفتن صلوات فرموده اند هیچگونه مانع شرعی نبوده بلکه رجحان و استحباب شرعی خواهد داشت و بنا موقع تسبیح حضرت زهرا (ع) مناقات ندارد بنحویکه بیان شد.

و نسبت به آیه شریفه در خصوص تعقیب نماز مغرب و صبح حدیث وارد شده و آنرا شیخ صدوق (ره) بسند خود از حضرت امام صادق (ع) نقل کرده: عن ابی المقیرة قال: سمعت ابا عبدالله (ع) یقول: من قال فی دبر کل صلاة

**\* از مواردیکه صلوات گفتن بسیار خوب و هیچگونه رجحانش مشکوک نیست در تعقیبات بعد از نمازهای فرائض پنجگانه است.**

**\* افضل اعمال و افضل او را دو اذکار صلوات بر محمد (ص) و آل محمد است.**

**\* صلوات فرستادن بر غیر رسول الله صلی الله علیه و اله وسلم جائز بوده و قرآن مجید بر آن تصریح کرده است.**

**\* از فرمایشهای امام (ع) بخوبی استفاده می‌شود که بعد از فارغ شدن از نماز صلوات فرستادن استحباب دارد. مربوط به ویژه نامه شهید قاضی**

## مداومت زیارت اربعین نشانه‌ای برایمان

نمایند چنانچه در گذشته اشاره شد که این تیمیه با تمام بی حیاتی و پرروئی چه کلمات جنایت کارانه بقلم آورده و چطور کاری را که مثل آفتاب است خواسته انکار نماید و امثال این تیمیه‌ها در هر زمان در کمینند و در هر دوران می‌خواهند طرفداران اهل بیت (ع) را هدف اکاذیب خودشان قرار بدهند و لذا شیعه همیشه در تمامی روزهای سوگواری حضرت سیدالشهداء (ع) و از آنهاست روز اربعین آن حضرت در تظاهر زیارت و اقامه ماتم و عزاداری کوتاهی نکرده و نباید بکنند و از اینجاست که امام حسن عسکری (ع) زیارت اربعین را از علائم ایمان شمرده چون مومن واقعی کسی است که نگذارد آثار نهضت حسینی فراموش شود و در قدردانی و شرکت در هدف آن حضرت کوتاهی نورزد.

۱- کامل الزیارة ص ۸۱ ط نجف و مستدرک الوسائل ج ۲ ص ۲۱۵

در زمان وفات آنها اربعین نگاه می‌دارند و در سالهای دیگر از آن رویه دست بر می‌دارند چون مزایا و نتایج زندگانی آنها محدود است و آثارش همیشه‌گی نیست و در اندک مدت هر قدر کار بزرگی را انجام داده باشند بالاخره منقضی شده و دائمی نیست.

بخلاف آثار و نتایج نهضتی را که سیدالشهداء (ع) برپا نموده که مزایای آن تمام شدنی نیست و درس عبرتی است بر آیندگان و سرمشق نهضتی است بر از جان گذشتگان بر آنهاست که در راه دین و در احیاء شریعت سید المرسلین (ص) جان خود را نثار میکنند و نفسهای خود را قربانی می‌دهند و در فکر آنند که ظلم و ستمهای بنی امیه را با مرور زمان بسیاد علاقه مندان به اسلام و قرآن بیاورند و جنایاتی که آن شجره

خبیثه در حق خاندان پیغمبر (ص) عملی کرده‌اند بسا گذشت زمان کهنه نشود و فراموش نگردد و جنسایت کاران دوران نتوانند انکار

ببرند و یکی از مراسمی که باید هر سال تجدید شود موضوع اربعین است کیست که از سید مظلومان لایق‌تر باشد که هر سال تاربعین او آثار و مآثر او را زنده نگاه داشت؟ و در تمامی روزهای وفات تظاهر زیارت قبر مبارکش بر پا نمود؟ و اربعین او را هر سال تجدید کرد؟ تا معلوم نمود چنانچه تا حال معلوم شده نهضت سیدالشهداء (ع) غالبیه فی صورة المغلوبیه و البته باید فقط بسقدردانی از سیدالشهداء (ع) اکتفاء نکرد بلکه عمده آنست که در هدف با آن حضرت قدم برداشت و در هر زمان شرکت کرد و سرمشق اخذ نمود.

بلی گاه میشود بر حسب اقتضاء زمان باید رویه حضرت امام حسن مجتبی (ع) سرمشق شود و گاه رویه سیدالشهداء (ع) را دستور و سرمشق اتخاذ نمود و مصلحت وقت و زمان را با دقت ملاحظه کرد چنانچه آن بزرگواران کردند. و ناگفته نماند اگر سائر مردم بر اموات خودشان

نگاه داشته و دین الهی را از دست خوش دشمنان سرسخت آن نجات داده و زحمات خاتم انبیاء (ص) را نگذاشته بهربرود و بازیچه بنی امیه شجره ملعونه گردد و با خون خود درخت توحید را سیراب نموده و نگذاشته در نتیجه ظلم و جورویی دینی و اشاعه فحشا و منکر بنی امیه خشک شود و خون دل خویش را در راه خدا بذل کرده تا مردم راز حیرت ضلالت و گمراهی که در اثر تسلط بنی امیه و اشغال آن شجره ملعونه مقام خلافت الهیه را پیش آمده بود برهاند و اگر آن نهضت مقدس نبود از اسلام بغیر از اسلام اموی و از دین بغیر از دین یزیدی و دین تشریفاتی و ساخته بنی امیه چیزی باقی نمانده بود چنانچه نظریات مستعمرین در دنیای فقلی نیز در باره اسلام همان نیات شوم است که بنی امیه داشتند. و لذا باید مسلمین عموماً و شیعه خصوصاً در زنده نگاه داشتن تاریخ واقعه جانگساز کربلا و در احیاء آثار آن دشت پر بلاه اهتمام تمام بکار

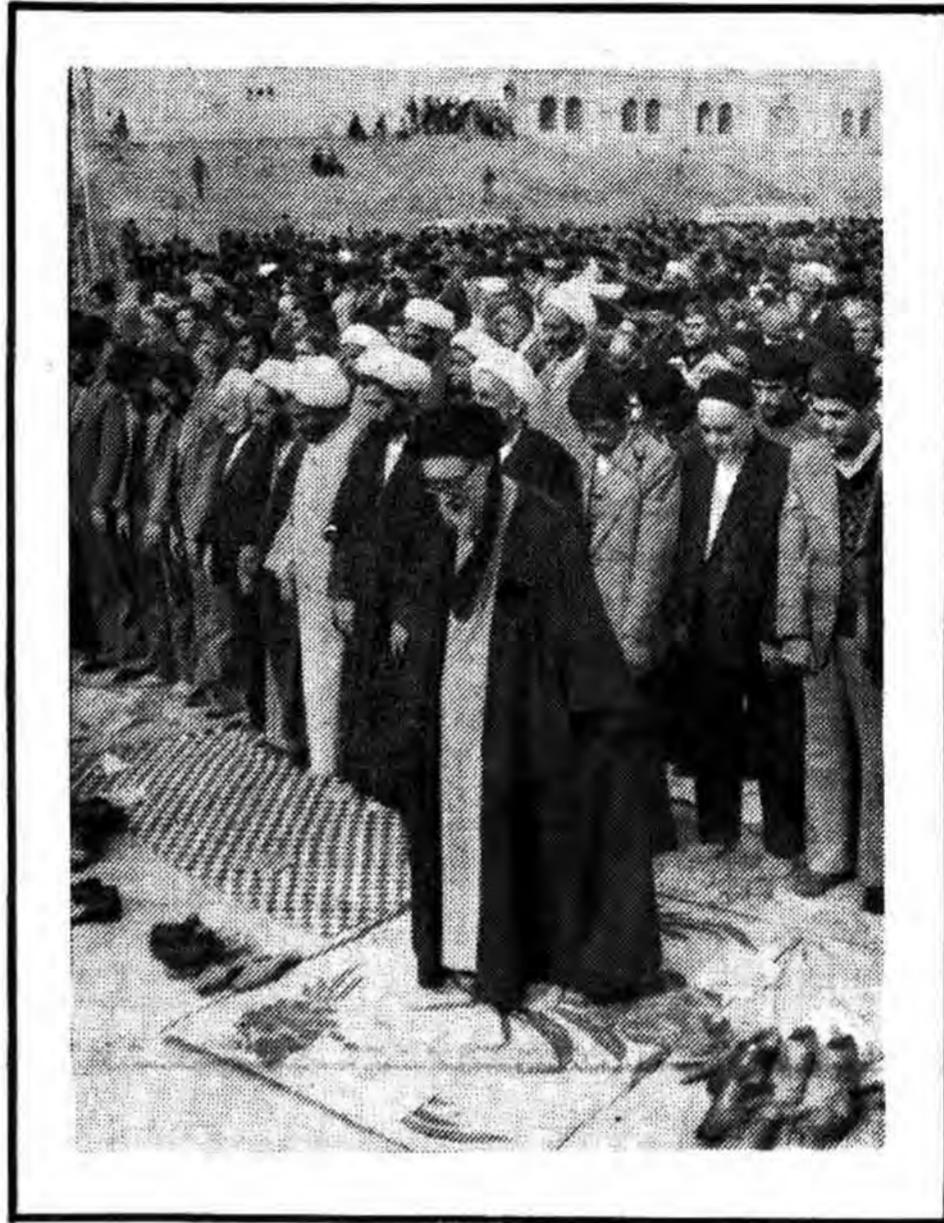
الزیارة) نقل شده استفاده می‌شود که بکاء آسمان و زمین و ملائکه و آفتاب برسیدالشهداء (ع) تا چهل روز طریقه و عادت را که در میان مردم یک حال استمراری پیدا کرده و برسد مظلومان اربعین نگاه میدارند نشان میدهد حتی در میان مردم در زمان فوت کسان خودشان نیز این رویه معمول شده و این سیره مستمره را انجام میدهند و احترام آنها را که از دنیا رفته‌اند نگاه می‌دارند و شیعه تا اربعین آن حضرت از شادی و خشنودی و سرور خودداری می‌کنند حتی در غیر مسلمانان نیز این عادت در مرده‌هایشان مراعات می‌شود خصوصاً که از بزرگان آن قوم باشد و کسی باشد که آثار عملی و نتایج قدمی را که در راه رفاه و آسایش دینی و دنیوی آنان برداشته باشد و در اصلاح جامعه از جان گذشتگی نشان داده و نهضتی بر علیه ظلم و ستم و از بین بردن ظالمین و ستمکاران روزگار کرده و نهضتی بوجود آورده که در اثر آن اسلام و قرآن رازنده

و شاید از وجوهی که برای اساس روز اربعین برای سیدالشهداء (ع) از سال ۶۱ هجرت و از آن زمان تا حال ه شیعه بر این امر همیشه پام و اقدام کرده و آنرا زنده گاه داشته‌اند آنست که برای سیدالشهداء (ع) زمین و سمان تا چهل روز گریه رده چنانچه زرارقهبن اعین بیانی رحمت الله که از اکابر بهاء شیعه و محدثین بسا غمت امامیه است از حضرت امام صادق (ع) روایت کرده است باین عبارت: قال قال ابو عبدالله (ع) یا ارة ان السماء بکت علی حسین (ع) اربعین صباحاً دم و ان الارض بکت علیه بعین صباحاً بالسواد و ان ثمس بکت اربعین صباحاً بالسوف و الصحرة و ان مملاکة بکت علیه عین صباحاً و ما اختصبت نا امرأة ولا ادهنت ولا تحلت ولا رجلت حتی اناراس عبیدالله بن زیاد بازلفانی عبیره بعده... حدیث (۱) از این حدیث یف که در صحیح ترین متب حدیث شیعه (کامل

بقلم شهید آیت الله سید محمد علی قاضی طباطبائی

درسی از عاشورا

(نماز ظهر شهیدان) سیدالشهداء (ع) در روز عاشورا، جای شک نیست سید مظلومان در آن موقع که شمشیرهای دشمن از هر طرف از غلاف کشیده شده و تیرها مثل قطرات باران او را هدف قرار داده بود نماز را در اول وقت ترک نفرموده و با جماعت اداء فرمود چنانچه در اسلام حتی در جنگها نیز نماز را نباید با جماعت بخوانند و چند قسم نماز خوف در کتب فقه بیان شده است چنانچه گذشت زیرا نماز جماعت از مستحباتی است که از واجبات اهمیت بیشتر دارد در صورتیکه واجب اهمیتش بیشتر و ثوابش زیادتر است مگر چند عمل مستحبی از آن قاعده استثناء شده که اول آنها نماز جماعت است که بمراتب ثواب و اهمیت آن از واجبات زیادتر میباشد.



بر عموم علاقمندان و عزاداران بر سیدالشهداء (ع) که در مواکب حسینی و مجالس نوحه خوانی و در محافل سیر که هر هفته در ایام وفیات ائمه (ع) تشکیل میدهند و خودشان را علاقمند بدین میدانند اعلام می شود.

اگر واقعا علاقمند به آن حضرت هستند و محبت بان بزرگوار دارند و میخواهند تبعیت از سیدمظلومان کنند در دین خودشان از روی فهم و عقل قدم برمی دارند باید بدانند که سیدالشهداء (ع) روز عاشورا در آن موقع گرمای هوا و تشنه لب و هجوم دشمن که لشکر کفر و ضلالت برای از بین بردن آن شده بودند نماز را فراموش نکرده و آنرا باجماعت نماز خوف بجای آورده و بر کسیکه عرض کرد یابن رسول الله (ص) وقت نماز است و با اینکه آن شخص تذکر دهند از شهداء کبریاست فرموده: (نماز را بهاد آوردی خدا تو را از نماز گزاران قرار بدهد) نفرموده خدا تو را از شهداء قرار بدهد.

پس مقام نماز گزاران واقعی مقامیست که امام (ع) دعای کند که آن شخص را که از شهداء کبریاست خداوند او را از نماز گزاران نماید و از فرمایش امام (ع) عظمت و اهمیت نماز واضح و نمایان است.

پس آنانکه خودشان را از علاقمندان به سیدالشهداء علیه السلام میدانند و مجالس سوگواری و محافل سیرا تشکیل میدهند و نوحه سرایی میکنند و بان حضرت قدردانی می نمایند ولی بنماز اهمیت نمی دهند و اهانت کرده و استخفاف می کنند و نماز را از اول وقت آن بتاخیر می اندازند و ضایع می نمایند چنانچه در اخبار وارد شده که در آخر الزمان

مردم نماز را ضایع می کنند یعنی از اول وقتش آنرا بتاخیر می اندازند و مشغول کسب و تجارت می شوند و به نماز اهمیت قائل نمی شوند و به آن استخفاف مینمایند خصوصا آنانکه خودشان را علاقمند بسیدالشهداء علیه السلام نشان می دهند نماز را رها کرده و مشغول نوحه سرایی و ندبه گری می شوند یا در وقت نماز که از اهم واجبات است اعتناء ننموده مشغول سینه زنی می باشند یا مجلس فاتحه را ختم نمیکنند و یا واعظ در منبر موعظه میکند یا روضه خوان مشغول ذکر مصیبت است معنایش این است: ای سید مظلومان که خون پاک خود را در راه اقامه نماز و برپانگاه داشتن آن بر زمین کربلا ریختی ما بر شما قدردانی مینمایم و برای ریختن خون تو گریه می کنیم ولی در آنچه خون تو در باره برپا و زنده نگه داشتن آن ریخته شده در آن تو تبعیت نداریم و نماز را که در آن موقع در اول وقت با جماعت خواندی ما در آن عمل وهدف تو با شما شرکت نداریم و بساعت سرزنش مخالفان عالم شیعه می شویم و موجبات ایراد و اشکال و اعتراض دشمنان شیعیان شما را فراهم می آوریم و عقلاء و اشخاص فهمیده هم هر چه بما نصیحت کنند بحرف آنها هم گوش نمی دهیم بلکه کینه توزی می کنیم.

این قبیل اشخاص باید بدانند اگر نماز قبول نشود اعمال دیگر آنها بطریق اولی قبول نخواهد شد با عدم اعتنا به نماز و خسوارش مردن آن ضایع کردن یک فریضه الهی که قبولی تمامی اعمال واجبی و مستحبی نوحه گری و

سینه زنی بسته باهتمام دادن بان و قبولی آنست ثمری نخواهند برد کجا رسد که خدای نکرده مانند بعضی اشخاص بی خبر از دین و بی علاقه بمعقودات اسلام که اصول و عقائد خود را هیچ درست نکرده و از اصول دین خود اطلاع ندارد نماز را اصلا ترک کند و نماز نخواند و تارک صلات باشد ولی نوحه سرایی کند و سینه بزند و اعمال زشت نیز از آنها سر بزند اینگونه مردم از هدف مقدس سیدالشهداء علیه السلام مهجور و فرستگها از شرکت در مقصد آن حضرت دورند و بی خود خودشانرا بزحمت می اندازند علاقمند

بسیدالشهداء علیه السلام آن کسی است که بنمازهای واجبی و فرائض پنجگانه خود مواظب بوده و آنرا از اول وقت بتاخیر نیاندازد زیرا خوشنودی آن حضرت در آنست که عمل قدردانی کنندگان از او موافق عمل خود آن بزرگوار باشد چون نماز ستون دین است و تمامی عزاداریها و نوحه سراییها و سینه زنیها برای سرپا نگاه داشتن نماز است آیا میتوان ستون دین را خراب کرده و عملا در انهدامش کوشید ولی نسبت بشخصیتی که در استحکام آن ستون کوشیده و در بقا آن خون پاک خود را ریخته قدردانی نشان داد؟ آیا این عمل تناقض نیست؟

وای بر حال کسانی که ستون دین را عملا منهدم کنند ولی بر سیدالشهداء (ع) قدردانی نمایند آیا این قبیل اشخاص اطلاع ندارند که آنها عملا با بنی امیه موافقت دارند می خواستند نماز را ضایع و اسلام را از مسیر صحیح خود منحرف سازند؟ اگر

آنطور نبود پس دیکتاتور و یگانه قدر و خودرای بنی امیه چرا نماز جمعه را بیجانهای در روز چهارشنبه خواند؟

و پس از آنکه در اریکه سلطنت قرار گرفت گفت: من با شما جنگ نمی کردم که شما نماز بخوانید و حج کنید و سایر اعمال را بجا بیاورید من می خواستم بشما امیر شده و مسلط گشته و سلطنت کنم پس اشخاصیکه به نماز اهمیت ندهند و آنرا ضایع کنند یا ترک نمایند عملا با بنی امیه در هدفشان شرکت دارند و با نوحه سرایی و ندبه گری و سینه زنی بسیدالشهداء (ع) قدردانی می نمایند آیا این اعمال ضد و نقیض با یک دیگر می سازد؟ علاقمندان واقعی و

صحیح بر سیدالشهداء (ع) کسانی هستند که بنماز اهمیت دهند و آنرا بر همه اعمال خودشان مقدم بدانند و موقع نماز که رسید و وقت آن داخل شد دست از همه کارهای خودشان برداشته خواه کسب و تجارت باشد یا از اعمال مستحبی و نوحه و ندبه و دیگر کارهای معمولی و مشغول نماز باشند و اهتمام شدید در بجای آوردن فرائض پنجگانه نمایند و ستون دین را نگذارند ضایع شود و انهدام پذیرد

و یکی از مجالسی که در میان مالیرانیان مرسوم است و نسبت بان نیز در اینجا لازم است تذکری داده شود عبارت از مجالس ترحیم است که در فوت کسان مردم تشکیل داده میشود و وضع آنها طوریکست که دشمنان عالم تشیع که در صدد جستجوی نقاط ضعف هستند ایراداتی وارد می کنند زیرا در موقع قرائت قرآن مجید در آن مجالس که مرسوم

است اعتناء بقرائت قاری قرآن و استماع آن نشده و مردم مشغول صحبت با یکدیگر شده و به سیگار کشیدن و چائی صرف نمودن و آمد و رفت و توجه گرم بیکی دیگر و تسلیت بصحاب عزاء شده و ایضا اعتنائی بشنیدن قرآن کریم نمیکنند ولی وقتیکه کسی میخواند نوحه خوانی کند تمام مردم سکوت اختیار کرده و دست از چائی و سیگار و صحبت با یکدیگر کشیده و مجلس بتمام معنی آراسته و سکوت محض حکم فرما میشود.

دشمنان تشیع می گویند که این شیعیان بنوحه گری سیدالشهداء (ع) از قرآن بسیار احترام قائلند بقرائت و استماع قرآن اعتناء ندارند ولی بنوحه گری احترام بیشتر مراعات می کنند و این ایراد بصورت ظاهر وارد است گر چه حقیقت امر آنطور نیست و کسی از شیعه پیدا نمیشود که قولاً و اعتقاداً بنوحه گری بیشتر از قرآن

احترام قائل باشد گر چه صورت عملی کار باعث ایراد است.

پس بهتر آنست که مردم بحرف اشخاص فهمیده گوش داده و خودشان بدون مداخله اشخاص خارج از امور مذهبی وضع مجالس ترحیم را تصفیه نمایند.

فعلاً در تبریز عزیز ما مجالس ترحیم که سه ساعت یا دو ساعت است ساعات آنرا تقسیم نموده و از روی برنامه تنظیم و از طرف صاحبان مجالس ترتیب و تشکیل یابد: مثلاً نیم ساعت اختصاص بجائی و سیگار و صحبت و رفتن به بیرون از مجلس داده شود و نیم ساعت بقرائت قرآن و استماع آن و عمل باطلاق آیه شریفه: و اذا قرء القرآن فاستمعوا له وانصتوا (۲۰۴) الاعراف = بشود.

و کسی مادام قرآن ق می شود از مجلس بیرون و صحبت نکند و سیگار نکند و چائی نخورد و نیم ساعت برای نوحه خواندن و نمودن بسیدالشهداء اختصاص یابد و نیم ساعت برای صرف چائی و صحبت بیرون رفتن از مجلس با نیم ساعت باز قرائت قریم بنحوی که ذکر نیم ساعت برای واع خطابه مختص شود حد موکول بترتیب دادن صاحب مجالس است منظور ط باشد که ساعات قرائت و کارهای دیگر از هم جدا علیحده شده و اختصاص شود و امیدوارم که این را آقایان محترمین ع نمایند تا از ایرادات مخ جلوگیری بعمل آید انشا تعالی.

فضیلت صلوات بر . . .

بقیه از صفحه ۷

گرد زهی بدبختی و ز زیانکاری است که شرأ نسب علوی را از دست است.

من لم یکن علویا حین ا قماله من قدیم الدهر .

۱- رجوع شود به الحسنى فی ادعیة الہ ص ۲۷ ط بمبئی (۱۳۱۴) ه ق تألیف زاهد میرزا علی اکبر هم نزیل نجف ا متوفی (۱۳۲۵) ه ق

۲- اسرار الصلاة مؤید بتأییدات ربانی حاج میرزا جواد ملکی ت قدس سره ص ۲۸۳ ط ت سال (۱۳۸۰) ه ق

۳- مفتاح الفلاح شیخ (ره) ص ۴۹ ط مصر

۴- خصال ج ص ۶۲۹-۶۳۰ ط ت سال (۱۳۸۹) ه ق همان حدیث می ف صلوات علی محمد و آل ه فان الله عزوجل یقبل د عند ذکر (محمد) و دعا و حفظکم ایاه صلی علیمواله خصال ج ۲ ص ط تهران

۵- غایة المرام بس بحرانی (ره) ص ۴ روایت از ثواب الاعمال صدوق (ره) نقل شده چ در دعوة الحسنی از آن نقل کرده است

۶- الاحزاب- ۴۳ ۷- التوبة- ۱۰۳ ۸- البقرة: ۱۵۶-۱۷ ۹- اربعین مجلس ص ۱۹۷

۱- روضات الجنات در ترجمه علامه (ره) ص ط اول و در کتاب نقر «تقویة الایمان» سید بن عقیل علوی حد حضرتی نزیل سید صاحب نصاب الکافیة ه اول بیت دوم باین نحو و ان الکلب خیر منه ط ۱۹ ط صیدا

۱- روضات الجنات در ترجمه علامه (ره) ص ط اول و در کتاب نقر «تقویة الایمان» سید بن عقیل علوی حد حضرتی نزیل سید صاحب نصاب الکافیة ه اول بیت دوم باین نحو و ان الکلب خیر منه ط ۱۹ ط صیدا

۱- روضات الجنات در ترجمه علامه (ره) ص ط اول و در کتاب نقر «تقویة الایمان» سید بن عقیل علوی حد حضرتی نزیل سید صاحب نصاب الکافیة ه اول بیت دوم باین نحو و ان الکلب خیر منه ط ۱۹ ط صیدا

۱- روضات الجنات در ترجمه علامه (ره) ص ط اول و در کتاب نقر «تقویة الایمان» سید بن عقیل علوی حد حضرتی نزیل سید صاحب نصاب الکافیة ه اول بیت دوم باین نحو و ان الکلب خیر منه ط ۱۹ ط صیدا

۱- روضات الجنات در ترجمه علامه (ره) ص ط اول و در کتاب نقر «تقویة الایمان» سید بن عقیل علوی حد حضرتی نزیل سید صاحب نصاب الکافیة ه اول بیت دوم باین نحو و ان الکلب خیر منه ط ۱۹ ط صیدا

۱- روضات الجنات در ترجمه علامه (ره) ص ط اول و در کتاب نقر «تقویة الایمان» سید بن عقیل علوی حد حضرتی نزیل سید صاحب نصاب الکافیة ه اول بیت دوم باین نحو و ان الکلب خیر منه ط ۱۹ ط صیدا